من و اماس

میهمانان شب عید؛ پلاک‌های ناخوانده

مریم پیمان

● درها باز می‌شوند و نسیمی به داخل درمانگاه می‌وزد. نزدیک عید است و استخوان‌ها انجماد را تجربه می‌کنند. شب است و خیابان خلوت. بی‌اراده به سمت مسجد کشیده می‌شوم. چشمم به جای پاهای کودکی‌ام می‌افتد و بغضم با صدا فضا را پر می‌کند. درد دارم، درد. «خدایا! بسه دیگه!» بعد از تزریق عضلانی نباید راه رفت تا هم جذب بهتر رخ بدهد و هم درد کمتری داشته باشم، اما برای دیدار خودم عجله دارم و تأنی، فرصت تأمل را خواهد گرفت.

گریه می‌کنم از درد و از رنج، از بی‌تابی و بی‌صبری، از دوستی‌های ناصواب و آرزوهای بربادرفته. عجیب دلم گرفته است. آرام‌تر شده‌ام که تصویر خاطره‌ها اشک‌هایم را روان می‌کند؛ دخترک چادری ۹ ساله که از پدر زندگی می‌آموزد. زمستانی که دینداری را آغاز کرد. سردرگمم. بود و نبود خدا به دردها و شدت آنها در این سال‌ها بستگی داشت و امروز می‌دانم که هست، اما از او گله‌مندم؛ «ما در این شهر غریبیم و در این ملک فقیر/ به کمند تو گرفتار و به دام تو اسیر/ من نظر باز گرفتن نتوانم همه عمر/ از من ای خسرو خوبان! تو نظر باز مگیر/گرچه در خیل تو بسیار بِه از ما باشد/ ما تو را در همه عالم نشناسیم نظیر». بیماری ظاهر دین را در من به بازی گرفت. دل من تهی شده است از امید.

ترس و درد، دو همزاد شده‌اند؛ ترس از تنهایی در درد و درد از تنهایی در ترس. همه‌چیز را تغییر دادم برای بهترشدن و سالم‌ترزیستن؛ از شناسنامه‌ام تا عادت‌های غذایی، از خودم تا خودم، اما گویی خدا عجله‌ای برای بهبود «من» ندارد.

«این حدیث از سر دردیست که من می‌گویم/ تا بر آتش ننهی بوی نیاید زِ عبیر/گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست/ رنگ رخسار خبر می‌دهد از سِرِّ ضمیر». خاطره‌ها بیدار می‌شوند؛ او هم می‌داند که هیچ دردی در جسم هنوز قدرتمندتر از من نیست.

«علم پزشکی اعتمادبه‌نفس من را برگرداند... و... اعتمادبه‌نفس من را از بین بُرد». تلاش برای ندیدن چندین‌باره دکتر مغز و اعصاب هم بی‌نتیجه بود و باز باید میهمان مطب او باشم. پزشکی که سال‌ها به من آموخته، هرچند قوی و بااراده باشم، اما چیزی، جایی درست نیست؛ پلاک‌هایی پنبه‌ای میهمان مغز و نخاع من شده‌اند و جا خوش کرده‌اند؛ غلاف‌های آسیب‌دیده میلین! می‌خواهم شب عید تکلیفشان را روشن کنم. چند پلاک میهمان مانده‌اند؟ دقیقا کجا لنگر انداخته‌اند؟ با چه تعداد از آنها باید تزریق را ادامه داد؟ چندباره باید به دالان «ام‌آرآی» رفت؟ بعد از ۳۵۵ هفته پزشک باید به قولش عمل کند و من را از این تزریق، رها! نیاز به پناهی دارم. باید از این بیماری رها شوم. «خوب باش!» کلافه شده‌ام؛ «عجب از عقل کسانی که مرا پند دهند/ برو ای خواجه! که عاشق نبود پندپذیر». در را باز می‌کنم، خاطره‌ها هجوم می‌آورند. «چه خوب! مادرم هنوز برنگشته است».

سلفی با اولین چاه نفت ایران

معصومه اصغری: گردشگری ایران که چند سالی است به یمن تغییر نگاه‌های جهانی قدم‌های خوبی در آن برداشته شده، یک وجه دست‌نخورده و کمتردیده‌شده به نام گردشگری صنعتی دارد. شکلی جذاب و تخصصی در گردشگری که ایران به واسطه رتبه‌ای که در منابع نفت و گاز و تأسیسات عظیم و نفت و گازی که از بیش از صد سال گذشته تاکنون دارد، می‌تواند حرف‌های زیادی برای گفتن در آن داشته باشد. حوزه‌ای پررونق که حالا وزارت نفت با برنامه خود در تحقق موزه‌های نفت می‌خواهد قدم‌های ارزشمندی در آن بردارد.

موزه‌های نفت اتفاق متفاوت و اثرگذاری است که در دوره اخیر وزارت نفت جان گرفته و شروع شده است. تصمیمی که اگرچه هنوز در خود نفت به طور کامل شکل نگرفته و در حال آماده‌سازی پایه‌ای است؛ اما می‌توان امیدوار بود که با ایجاد ارزش در مجموعه نفت و بیرون از آن، این تفکر در دوره‌های بعدی نیز ادامه یابد. اکبر نعمت‌اللهی، مدیر موزه‌های نفت وزارت نفت، با اعلام اینکه اعتبار فاز نخست موزه‌های نفت در سه شهر آبادان، مسجدسلیمان و تهران با اعتباری نزدیک به ۱۶ میلیارد تومان در حال اجراست، گفت: نفت همواره با خود بهترین‌ها و اولین‌ها را به شهرها و برای مردم برده است و همین مردم و نیروهای نفت بوده‌اند که حافظ و نگهبان تأسیسات نفتی به‌ویژه در شهرهای نفت‌خیز بوده‌اند. او معتقد است موزه‌های نفت حتی در شهرهای محرومی مانند مسجدسلیمان و دارخوین می‌توانند با خودشان توسعه و همراهی مردم و در ادامه گردشگران را بیاورد و این بهترین شکل توسعه در یک منطقه شهری و روستایی خواهد بود. نفتی که سال‌هاست صحبت از آمدنش سر سفره مردم هست، از صد سال قبل در کنار بخشی از مردم ایران، درون خانه‌هایشان، در کوچه‌ای که هر روز از آن می‌گذرد و در هوایی که نفس می‌کشند، به حیاتش ادامه داده. شهرهای نفتی ایران شهرهایی نفت‌ندیده نیستند؛ اما بهره‌مندی‌شان از نفت حتی به قدر همه مردم ایران نبوده است. محدوده اولین چاه نفت ایران در مسجدسلیمان به دلیل اینکه هنوز فعال است، درهایش بسته است و امکان بازدید عمومی ندارد؛ اما برای خبرنگاران درها را گشوده‌اند. دیوار به دیوار چاه نفت ایران خانه‌های مردم در ابتدایی‌ترین شکل ممکن ساخته شده است و در اولین برخورد این ذهنیت را دارد که نزدیکی به چاه نفت تفاوتی در بهره‌مندی از چاه نفت ندارد و شاید به همین دلیل است که مردم شهرهای نفتی، کمترین سهم‌ها را در منافع و پول نفت در همه صد سال اخیر داشته‌اند. خانه‌هایی در نزدیکی چاه نفت را که حالا خرابه‌هایی از آنها باقی مانده و تا چند سال قبل محل انتشار و نفوذ نفت و گاز بودند، تخریب کرده و مردم را در جای دیگری از شهر ساکن کرده‌اند. این مخروبه‌ها در مسجدسلیمان زیاد دیده می‌شوند.

حالا وزارت نفت بعد از صد سال به این فکر افتاده که داشته‌های خود را در شهرهای نفتی جمع کرده و در محدوده‌ای امن‌تر تبدیل به موزه کند و شاید در شکل موزه‌ای این شهرها و نقاط جذاب صنعتی، مردم این شهرها و مردم همه ایران و جهان دسترسی بیشتری به این محل‌ها و اسناد و تجهیزاتی که سال‌ها برای همین مردم کار کرده‌اند، داشته باشند. مجموعه موزه‌های وزارت نفت در شهر مسجدسلیمان چند نقطه را به‌عنوان موزه شناسایی کرده و در حال اجرا و آماده‌سازی آنهاست. از میان تأسیسات، ابنیه و مراکز مختلف و متعدد تاریخی صنعتی در مسجدسلیمان، شش محوطه موزه‌ای شامل چشمه‌های نفت سی‌برنج، چاه شماره یک، نیروگاه برق تمبی، تأسیسات بی‌بیان، کارخانه شماره ۹ انتخاب و مطالعات و طرح موزه‌ها براساس این مراکز تدوین شده است.

موزه مرکزی مسجدسلیمان قرار است به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین پایگاه‌های استخراج نفت به جهان معرفی شود و انتظار می‌رود این موزه به کمک مکان‌های تاریخی دیگر شهر مسجدسلیمان در سال ۹۶ راه‌اندازی و تبدیل به یکی از قطب‌های گردشگری استان خوزستان شود. معماری متفاوت این موزه که با معماری شهر و محدوده اطراف آن تفاوت دارد، در دو بخش فضای باز و بسته طراحی شده است و بسیاری از تأسیسات نفتی مانند پالایشگاه نفت و کارخانه گوگردسازی در فضای باز آن قرار گرفته‌اند که قرار است با همین شکل اما با تغییراتی باقی بمانند. مجموعه‌ای که در کنار موزه نفت شهر مسجدسلیمان قرار گرفته و بخشی مهیج از آن است، تأسیسات «بی‌بیان» نام دارد که تا زمان جنگ هم مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته و حالا سال‌هاست زنگ زده و رها شده است و قرار است به‌زودی مرمت شود.

موزه مرکزی نفت مسجدسلیمان که در این منطقه قرار دارد، موزه‌ای است با هدف اصلی تعریف‌شده؛ یعنی گردآوری، نگهداری، معرفی، پژوهش و آموزش، همچنین در چشم‌اندازی که برای این موزه در نظر گرفته شده، قرار است تا در آن، نقش تاریخی شهر مسجدسلیمان در صنعت نفت ایران به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین پایگاه‌های استخراج نفت در جهان معرفی شود. موضوع اکتشاف و حفاری نفت ایران از آغاز تا امروز و نقش نفت و تأثیرات تاریخ صنعت نفت در علوم گوناگون مانند اقتصاد، سیاست، مردم‌شناسی و زندگی اجتماعی مردم مسجدسلیمان نیز در این موزه مورد توجه قرار می‌گیرد. محدوده چاه شماره یک یکی از محل‌های دارای امکان تبدیل به موزه و محل بازدید مردم است که طبق برنامه‌ریزی قرار است با تغییراتی در سال آینده به‌عنوان یکی از بهترین و مستندترین موزه‌های نفتی کار خود را ادامه دهد و به‌مرور تبدیل به یکی از مراکز جذب گردشگر برای این شهر باشد.

نفت در مسجدسلیمان به شکلی باورنکردنی از زمین می‌جوشد و در سطح خیابان‌ها هنوز آثارش پیداست. همین موضوع یکی از دلایل جمع‌شدن و البته پراکندگی مردم در صد سال اخیر در مسجدسلیمان بوده است. چشمه‌های جوشانی که در شهر مسجدسلیمان جوشیده و در سطح زمین وجود دارند، از گذشته که انگلیسی‌ها در این محل بوده‌اند، به نام C-BRANCH و نام تغییریافته محلی که سی‌برنج است، داشته و هنوز هم به‌عنوان یکی از جاذبه‌های این شهر قابل بازدید است. نفت سنگینی که از این چشمه‌های متعدد نفتی بیرون می‌آمد، غلظت زیادی داشت و در گذشته برای قیراندودکردن ابزارآلات و نقاطی از خانه‌ها استفاده می‌شد. حتی راهنمایان محلی از گسترش تجارت قیر در این شهر به وسیله مردانی از شهر شوشتر صحبت می‌کنند که به «سادات‌قیری» معروف بوده‌اند و سال‌های سال در همین تجارت بوده‌اند.

یکی دیگر از جاذبه‌های نفتی شهر مسجدسلیمان که قرار است تبدیل به بخشی از موزه‌های نفت ایران شود، نیروگاه برق تمبی است که با بیش از ۹۰ سال قدمت در منطقه و در نزدیکی رودخانه‌ای پربار به همین نام در حاشیه شهر مسجدسلیمان واقع شده است. نیروگاه تمبی که امروز ساکت و خاموش و از مدار خارج شده است، تا چند سال پیش به‌عنوان مهم‌ترین عامل زندگی در این منطقه قلمداد می‌شد و حالا مدتی است محوطه داخلی و بیرونی و تأسیسات دست‌نخورده آن از ۹۰ سال قبل تاکنون تبدیل به محلی برای بازدید و تورهای صنعتی شده است.

تلمبه‌خانه‌ای در خط مقدم

شرکت نفت ایران - انگلیس در برنامه انتقال نفت ایران از مسجدسلیمان به سمت مقصدهای فروش خود برای ایجاد تلمبه‌خانه‌ای در مسیر انتقال و البته رساندن نفت به تعدادی از شهرها و روستاهای مسیر برنامه‌ریزی داشت و این‌گونه بود که ساختمان‌ها و تأسیساتی را در دارخوین راه‌اندازی کردند. تأسیساتی شامل دیگ‌های بخار، بویلرها و تلمبه‌های عظیم‌الجثه و دنیایی از خطوط لوله و... که سال‌های سال جمع زیادی از مردان را سرگرم و شاغل می‌کرد تا اینکه انواع خطوط لوله و تجهیزات جدید جای تلمبه‌خانه را گرفتند و افت فشار نفت در مسجدسلیمان ماهیت این تجهیزات و مجموعه را زیر سؤال برد. این مجموعه باارزش سال‌های سال در سکوت و تاریکی و بیهودگی فرو رفت تا اینکه بمب‌های عراق بر سرش فرود آمد. دارخوین و تلمبه‌خانه آن جزء همان خط مقدم‌های نفت در جنگ تحمیلی بوده است، ساختمان‌هایی مرتبط با هم که در جنگ تحمیلی در انبوه تأسیسات و دیگ‌های بخار و لوله‌ها رزمندگان را هم نگهداری می‌کردند و خدا می‌داند آن جوانانی که دیگر برنگشتند چه روزها و شب‌هایی را گذراندند و چه یادگاری‌هایی که روی دیوارهای تأسیسات دارخوین ننوشتند. یادگاری‌ها، شعرها و نوشته‌هایی که هنوز هم بر آن دیوارها مانده و قرار است جزئی از تاریخ نفت و جنگ باشد. پس از جنگ هم با توجه به جاذبه‌های فیزیکی و ظاهری سایت و ساختمان‌ها و دودکش‌های مرتفع، از این محوطه بارها به‌عنوان لوکیشن فیلم‌های مرتبط با دفاع مقدس استفاده شد که مهم‌ترین آنها شاید سکانس‌های پایانی سریال به‌یادماندنی «در چشم باد» باشد. مردم شهر دارخوین هم مانند مسجدسلیمان در محرومیتی آشکار از چند دهه قبل تاکنون هستند و حالا در کنار موزه‌های نفت نیاز به امکانات دیگر و البته اشتغال دارند. آنها هم با این سؤال مهم مواجه هستند که در شرایط کمبود سرانه‌های بهداشتی، درمانی، ورزشی و فرهنگی، داشتن موزه نفت به چه دردی می‌خورد. وزارت نفت هم این ابهام را متوجه شده و در توافقی با وزارت بهداشت، در کنار مجموعه تلمبه‌خانه دارخوین یک مجموعه درمانی و یک ورزشگاه ساخته است اما پس از آماده‌سازی و افتتاح تاکنون وزارت بهداشت و وزارت ورزش و جوانان این مجموعه‌ها را تحویل نگرفته و برای فعال‌شدن آنها اقدام نکرده‌اند. ایجاد اشتغال و امکانات و احیای آن در این نقاط کار سخت و هزینه‌بری است و به نظر می‌رسد تنها پول در این مورد راهگشا نباشد و باید با همکاری و همدلی نیازهای این مناطق محروم را برطرف کرد.

بسیاری از مردم درباره نفت، بشکه‌های نفت، چاه نفت، لوله‌های نفت و... خبر و عکس و توضیحات شفاهی زیادی را دیده و شنیده‌اند اما این موزه در مسجدسلیمان به شکلی نزدیک این صنعت را ملموس می‌کند. به‌عنوان نمونه جلوی ورودی ساختمان مرکزی نفت در مسجدسلیمان که از صد سال قبل تاکنون باقی مانده، بخشی از لوله‌ها و تأسیسات کنترل فشارسرچاهی نفت را که به کریس-مستری معروف است قرار داده‌اند. تأسیساتی که در هر نقطه‌ای به‌راحتی قابل دیدن نیست و اینجا امکان‌پذیر است و ارزش دیدن دارد.

یادگاری رزمندگان روی دیوار تلمبه خانه دارخوین

یادداشت

اینک، آگاهانه‌ترین انتخابات شورای شهر

حامد گوهری‌پور . پژوهشگر مطالعات شهری

● اندک‌زمانی به آغاز ثبت‌نام نامزدهای انتخابات شوراهای شهر و روستا باقی مانده و بیم آن می‌رود با توجه به هم‌زمانی برگزاری آن با دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، مانند چهار سال قبل، سایه سنگین رقابت «سیاسی» برای دردست‌گرفتن سکان اجرائی کشور، فضای ماهیتا «مدنی» انتخابات شوراها را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ تا این نهاد هنوز نوپای شهری و شهروندی در کنج مهجور بی‌توجهی، خوشه‌چین آرای ریاست‌جمهوری باقی بماند؛ نهادی که کمتر از ۲۰ سال پیش، پس از قریب به یک قرن از میان سطور قوانین روی کاغذها سربرآورده و با اراده دولت وقت رنگ ظهور و بروز دید.

نگاهی به میزان مشارکت شهروندان تهرانی در چهار دوره پیشین انتخابات شورای شهر و مقایسه آن با تعداد آرای آنها در انتخابات مجلس شورای اسلامی (در بازه زمانی متناظر با هر دوره) حاکی از این واقعیت است که جایگاه شورای شهر تهران (و بسیاری از کلان‌شهرها) برای شهروندان ملموس نبوده و بخش قابل توجهی از آنها به ضرورت مشارکت در این انتخابات پی نبرده‌اند. اینکه چه عوامل سیاسی، اجتماعی و حتی کالبدی در طول دهه‌ها و حتی قرن‌ها منجر به عدم توسعه مدنی شهرها و نهادهای شهری شده است، محل بحث یادداشت حاضر نیست. صحبت درباره اینکه چرا سابقه انتخاب شهردار و انجمن‌های شهروندی در شهری مانند لندن به قرن ۱۲ میلادی بازمی‌گردد، اما در ایران حتی با وجود نقاط عطف تاریخ معاصر نظیر قانون مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی، هنوز بستر وجودی شوراها برای بسیاری از مردم (حداقل در کلان‌شهرها) نامفهوم بوده و عمر این نهاد مدنی به دو دهه نیز نمی‌رسد، به واکاوی ریشه‌ای‌تری نیازمند است که اینک مجال آن نیست. اما آنچه محرک نگارش این یادداشت شد، وقوع و خوانش اتفاقاتی عموما تلخ به‌ویژه در ماه‌های اخیر است که ناخواسته سبب خیر شده و باور نگارنده بر آن است که آگاهی‌بخشی هرچه بیشتر درباره نتایج آن می‌تواند به جامعه شهرنشین کمک کند تا ره صدها ساله را کوتاه‌تر طی کرده و ضمن پی‌بردن به جایگاه حیاتی نهادهای مدنی در اداره شهرها، نقش شهروندی خود را به نحوی آگاهانه‌تر و فعالانه‌تر ایفا کنند.

جدا از مشکلات و گرفتاری‌های مزمن کلان‌شهر تهران همچون ترافیک و آلودگی هوا، آنچه در ماه‌های اخیر درباره فضای مدیریتی شهرداری و شورای شهر تهران مطرح شد و مجموعه مدیریت شهری را برای دفعات متعدد به تیتر اصلی و کانون جنجالی خبرها تبدیل کرد، علاوه بر آنکه می‌تواند تبعات بسیار منفی در حوزه «اعتماد عمومی» شهروندان داشته باشد، از جهت دیگر، بی‌تردید، «آگاهی عمومی» را نیز نسبت به حدود مدیریت شهری، اختیارات و وظایف آن، نگرانی‌ها و کاستی‌ها، و درعین‌حال فرصت‌ها و امیدواری‌ها افزایش داده است. دومینوی این اتفاقات تقریبا از یکی، دو سال گذشته و با فراگیرشدن اعتراض‌ها و نگرانی‌های مردمی و حتی دولتی نسبت به ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه شهر تهران به‌ویژه در غرب آن آغاز شد که دامنه آن درنهایت به صدور دستور توقف این برج‌سازی‌ها در منطقه ۲۲ از سوی شورای‌عالی شهرسازی و معماری و همچنین ضرورت بازنگری در طرح تفصیلی منجر شد.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۷۸۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا- خیز برداشتن- واحد شمارش لباس ۲- خانه بزرگ- بی‌اطلاع و ناهوشیار ۳- الله‌اکبرگفتن- زشت- حرف ندا ۴- گله و شکایت مداوم- در معرض دید قراردادن- وسیله ۵- درختی در بهشت- هنر کنده کاری روی چوب- بزرگوار ۶- در بیان علت به کار می‌رود- عاشق- فهم و شعور ۷- چهارمین روز هفته- سخنان مضحک می‌گوید- ضمیر متکلم‌وحده ۸- بی‌نظیر- هرکه خواهد جور هندوستان باید کشد ۹- لباس اتاق عمل- سرنیزه- نظریه برتری‌جویی ملی یا نژادی و برخورد شدید با مخالفان ۱۰- از اجزای دست‌وپا- زد و خورد- وسیله بنایی ۱۱- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی- وطن- از ورزش‌های گروهی ۱۲- زیرشلواری- تجربه شده- از محبت سرکه‌ها... می‌شود ۱۳- کجاست- از فروع دین- خوش‌چهره ۱۴- مهندسی برق- حیوان نجیب ۱۵- رغبت- از اقوام قدیمی ساکن شمال ایران- رودخانه‌ای در تهران.

عمودی:

۱- آرام‌بخش- خویشاوندان- سقف دهان ۲- صد مترمربع- داروی چکاندنی- ترکیه آسیایی ۳- بت عصر جاهلی که مادر خدایان بود- پایتخت ایالات متحده آمریکا- بز کوهی ۴- قفسه‌های آشپزخانه- موسیقی‌دان اتریشی قرن نوزدهم ۵- ایجاد نقش‌های برجسته تزیینی روی سقف و دیوار- نمره عالی- جنگ و پیکار ۶- چیزها- ماه پیروزی انقلاب- گوشه‌نشین ۷- نوعی گردن‌بند زنانه- از یاران امام حسین (ع)- اقامتگاه مسافر ۸- از مهم‌ترین محصولات کشاورزی- استارت قدیمی- خوشی و خرمی- اندک ۹- قلاب کمربند- از درختان جنگلی- محفل ۱۰- کتاب مقدس یهود- دفع کننده- مرسوم ۱۱- سرازیری- خواهش‌های نفسانی- از ساخته‌های سینمایی آلفرد هیچکاک ۱۲- نقاش ایرانی عهد تیموری و صفوی- از فرمانروایان آل زیار ۱۳- زیر خاک پنهان‌کردن- پادشاه متجاوز توران زمین- پسوند شباهت ۱۴- انقلابی عصر مشروطه و ملقب به سردار ملی- تندرست- جهت ۱۵- خالی- گفت‌وگوی تلفنی- ناگزیر، ناچار.

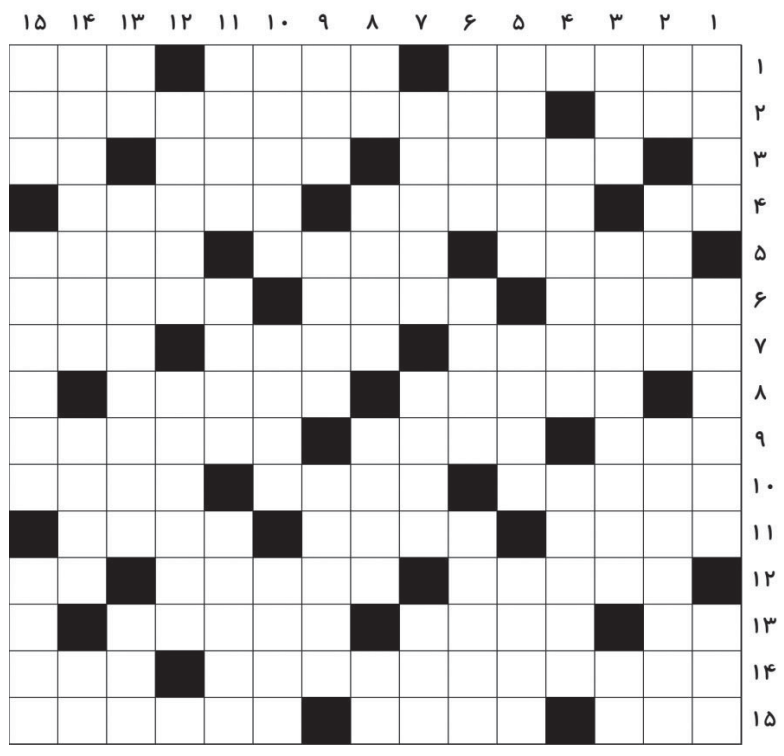

حل سودوکو سخت

۹	۱	۲	۳	۵	۸	۴	۶	۷
۷	۶	۵	۴	۲	۱	۳	۸	۹
۳	۴	۸	۹	۶	۷	۵	۱	۲
۵	۲	۳	۱	۸	۹	۶	۷	۴
۱	۸	۶	۵	۷	۴	۲	۹	۳
۴	۷	۹	۲	۳	۶	۸	۵	۱
۸	۳	۱	۶	۹	۲	۷	۴	۵
۶	۵	۴	۷	۱	۳	۹	۲	۸
۲	۹	۷	۸	۴	۵	۱	۳	۶

حل سودوکو ۱۷۷۶

۲	۳	۹	۷	۴	۱	۶	۵	۸
۷	۸	۱	۵	۶	۳	۲	۴	۹
۴	۵	۶	۹	۸	۲	۳	۱	۷
۳	۹	۴	۲	۵	۶	۷	۸	۱
۶	۷	۵	۱	۹	۸	۴	۳	۲
۱	۲	۸	۳	۷	۴	۹	۶	۵
۵	۶	۳	۸	۲	۷	۱	۹	۴
۸	۴	۷	۶	۱	۹	۵	۲	۳
۹	۱	۲	۴	۳	۵	۸	۷	۶

جدول ۲۷۸۰

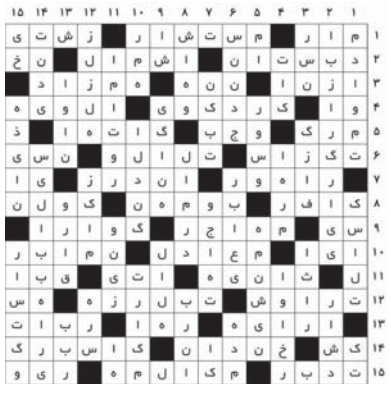

سودوکو سخت ۱۷۷۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹			۳		۷			۶
	۷	۶			۹			
۱	۲				۵			
	۴				۱	۸	۵	
۸		۷					۳	
		۱	۲			۴		
	۶		۹		۲			۱
		۳	۵	۸				
۷			۴				۲	

سودوکو ۱۷۷۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷	۴			۳			۵	
۲						۴	۶	
۱			۲	۴	۵	۸		۷
			۴	۹	۳			۶
۶		۹				۱	۴	
۳	۸			۲	۱	۷		
	۷	۱		۶	۸	۵		
	۳	۲	۵					۸
۸	۶				۲		۱	